

# علم أصول الفقه

۲۷

۳-۱۰-۹۱ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- نظریه قبض و بسط برای رسیدن به این نتیجه، از ارکان و مقدماتی کمک می‌گیرد. آنها عبارتند از:
- ۱. دین امری مغایر و متفاوت با معرفت دینی است. مراد از مغایرت، غیر هم بودن آنها است؛ نه تنافی و تضاد آنها با یکدیگر. دین و معرفت دینی دو چیز هستند که امکان دارد معرفت دینی با دین منطبق باشد و ممکن است نباشد.

## نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- در واقع معنای غیریت یک شیء با شیءای دیگر ضرورتاً عدم تطابق آن دو بر هم نیست. صورت یک شیء در ذهن ما با خود شیء مغایر است و آنها دو تا هستند؛ اما این گونه نیست که صورت بر صاحب صورت منطبق نباشد. به طور مثال درخت عینی و خارجی رشد می‌کند، اکسیژن می‌گیرد، دی اکسید کربن پس می‌دهد و... و صورت ذهنی آن اگرچه ممکن است با درخت منطبق باشد؛ اما امری متفاوت با آن است. به تعبیر منطقی وجود ذهنی درخت غیر از وجود عینی و خارجی او است.

## نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- آنچه نظریه عهده دار بیان آن است، دوئیت بین دین و معرفت دینی است. در این نظریه برای توضیح این دوئیت از یک تشبیه استفاده می‌شود که از منابع دیگر اخذ شده است. دین در آنجا به طبیعت تشبیه شده که امری مغایر با شناخت طبیعت است.

## نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- ۲. معرفت دینی، معرفت بشری است. یعنی همانند سایر معارف انسان، جزو معرفت‌هایی است که برای بشر پیدا می‌شود.
- ۳. معارف بشری با یکدیگر ارتباط دارند و از هم گسیخته نیستند.

## نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- ۴. معارف بشری تغییر و تحول می یابند. بشر یک چیزهایی را قبلاً نمی دانسته، اکنون پی می برد، یا قضاوت ها و داوری هایی داشته که الآن تغییر کرده است.
- ۵. معارف بشری تکامل پیدا می کنند. تکامل اخص از تحول است. بنابراین اگر در رکن چهارم ادعا می شود که معارف بشری تغییر پیدا می کنند و تحول می یابند، در این رکن بیان می گردد که این تحول جهت خاص دارد. آن جهت، جهت تکاملی است. بشر همواره به واقعیت نزدیک تر می گردد و همواره معرفت او دقیق و دقیق تر می شود.

# نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- بر اساس این مقدمات که ما آنها را ارکان نظریه می‌نامیم، هر چه معارف بشر روزآمدتر باشد، معرفت دینی امروزی‌تر و در نتیجه دقیق‌تر است.

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بررسی رکن چهارم
- رکن چهارم تحول دانش‌های بشری را مطرح می‌سازد. بشر در اثر گذشت ایام به غلط بودن بعضی معارف خویش پی می‌برد و گزاره‌های معرفتی جدید را جایگزین گزاره‌های باطل گذشته می‌نماید.



## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- این مطلب به صورت تسامحی مطلب درستی می باشد؛ اما نیازمند دقتی است. معارف بشری از سنخ ماده نیستند که تغییر شکل یابند و صورت جدید را بپذیرند، یا در یک ترکیب، خاصیت خویش را از دست بدهند و یا بر اثر تجزیه خاصیت قبلی خویش را به دست آورند.

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- در ترکیبات مادی مثل ترکیب کلر و سدیم، کلر نمی‌تواند در عین حال که تمام خصوصیات خویش را حفظ می‌کند با سدیم ترکیب گردد. هر یک از کلر و سدیم پس از ترکیب، خاصیت خویش را از دست می‌دهند و کلر و سدیم خاصیتی دارد که نه کلر دارا است و نه سدیم.

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- گزاره‌های نادرست معرفتی همانقدر در ذهن انسان ثبوت دارند که گزاره‌های صحیح معرفتی دارند. اینها تغییر و تحول نمی‌یابند و مضمحل نمی‌شوند. کسی که اذعان به صدق یک مطلب پیدا می‌کند که در قبل خلاف آن را اذعان داشت، تنها اذعان او نسبت به قضیه‌ی قبلی تغییر کرده است. از این رو، کماکان آن قضیه را تصویر می‌کند و در مورد عدم صحت آن سخن می‌راند. او هم اکنون نیز اذعان دارد، اما اذعان به عدم مطابقت قضیه با واقع.

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بسیاری از آنچه گذشتگان معتقد بودند، امروزه تکمیل یا تصحیح شده است. اما هنوز مطالب آنها را می‌توانیم تصویر کنیم و استدلال‌های آنها را در مورد صحت ادعایشان مورد بررسی قرار دهیم. گزاره‌های مطرح شده توسط آنها از بین نرفته است. فقط معلوم شده است که اصلاً یا کاملاً مطابق با واقع نیستند.

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- مثلاً ابوریحان بیرونی معتقد بود برای محاسبه‌ی حرکات فلکی دو راه وجود دارد: ۱. زمین را ساکن فرض کنیم. ۲. خورشید را ثابت بدانیم. سپس می‌گفت: به دلیل این که روی زمین هستیم، برای ما بهتر است زمین را ساکن فرض کنیم. او با محاسبات ریاضی حرکات فلکی و چگونگی قرار گرفتن آنها را ترسیم می‌نمود.

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- امروزه می‌دانیم که به لحاظ فیزیکی و واقعیت خارجی، زمین محور منظومه‌ی شمسی نیست و خود به دور خورشید می‌گردد. در عین حال هنوز می‌توانیم در مورد صحت این نظر و عدم صحت آن بحث نماییم.

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بررسی رکن پنجم
- بحث تکامل معرفت، مسأله‌ی رکن پنجم است. تکامل به فهم بهتر تفسیر شده است: بشر با گذشت ایام به فهم بهتر دست می‌یابد.
- اما مقصود از «فهم» از یک سو و مراد از «فهم بهتر» از سوی دیگر چیست؟

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- واژه‌ی **فهم** در سه معنا به کار می‌رود:
- ۱. مصدری: به فرایند فهمیدن یعنی کاری که انجام می‌گیرد و منتهی به معرفتی می‌شود، فهم مصدری می‌گوییم.
- ۲. حاصل مصدری (اسم مصدری): به نتیجه‌ای که در فرایند فهمیدن منتهی می‌شویم، فهم می‌گوییم. این فهم حاصل و اسم مصدر است.
- ۳. مفعولی: به چیزی که فهمیده می‌شود، فهم می‌گوییم. فهم در اینجا به معنای مفهوم است.



## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- **فهم بهتر** نیز در معانی متعددی استعمال می شود که برخی از آنها را در اینجا بیان می نمایم:
- ۱. وقتی می گوییم: فهم یکی بهتر از دیگری است، یعنی فهم اولی درست و فهم دومی نادرست است.

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ۲. در مقایسه‌ی دو فهم که یکی اشتباه کمتری از دیگری دارد، می‌گوییم فهم اولی بهتر از دومی است.
- ۳. از دو فهم که یکی یقینی و دیگری ظنی است، اولی را فهم بهتر معرفی می‌کنیم. در اینجا نوع اذعان معیار بهتر بودن فهم قرار می‌گیرد؛ اگرچه هر دو به لحاظ منطقی گزاره‌های صادقی هستند.

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- 
- ۴. از دو فهم که یکی همراه با علت و به تفصیل است و دیگری فهمی اجمالی است - در واقع یکی تصویری روشن دارد و دیگری تصویری مبهم - می‌گوییم: فهم اولی بهتر از فهم دومی است؛ اگرچه ممکن است هر دو فهم، فهمی یقینی و مطابق با واقع باشند.

## نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ۵. فهم کسی را که بر اطلاعات مربوط به مطلب احاطه دارد، بهتر از کسی می دانیم که از آن اطلاعات بی-بهره یا کم بهره است.
- ۶. فهم اجتهادی بهتر از فهم تقلیدی است.